

۱۸۹

بازرسی شد



کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب: ...

مؤلف: ...

جلد: ۱۸۹ (از کتب) خطی (اهدائی)

آقای سید محمد صادق طباطبائی به کتابخانه مجلس شورای ملی

شماره ثبت کتاب: ۴۵۹۱

۲۰۸۹۶



کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

خطی اهدائی

۱۸۹

۱۸۹

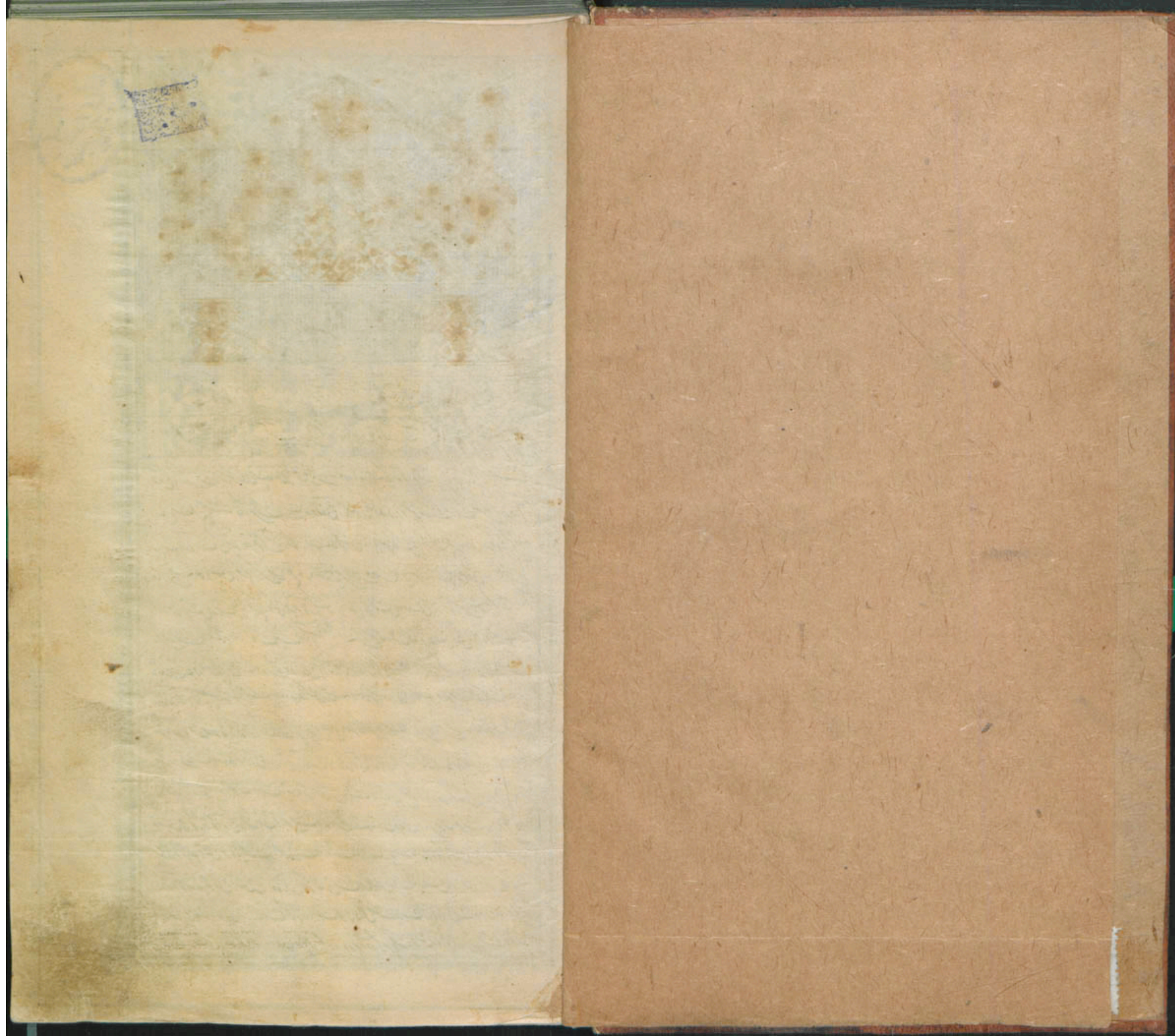
بازرسی شد

کتابخانه مجلس شورای ملی	
کتاب	سوره آتکه
مؤلف	
جلد	۱۸۹ (خطی) از کتب (خطی) اهدائی
آقای سید محمدصادق طباطبائی به کتابخانه مجلس شورای ملی	
شماره ثبت کتاب	۴۵۹۱
۳۰۸۹۶	

۱۸۹



کتابخانه مجلس شورای اسلامی	خطی اهدائی
۱۸۹	





۱۰

[illegible]

[illegible][illegible]

٥٠

[illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

۱۰۰

[illegible]

دکنی

کس غزانش از چو غزانش اول بخش چو غزانش	سبزه زارش از چو غزانش دشت کبریا ز غزانش	بن بر سر کوه و دریا علی بن شد سرخ و دشت	بر غنچه و لاج و غنچه در دوشی و دوشی
بیک کلام بر سر غنچه چون چمن شکوفه در غنچه	سوز کبریا ز غنچه چمن ز غنچه کوه در غنچه	بن زان عاشق کوه در غنچه غیر کوه در غنچه	چند غنچه کوه در غنچه دانش از غنچه کوه در غنچه
کوه کوه شمع غنچه شادانه و آواز کوه در غنچه	نای کوه از غنچه کوه عاشق کوه در غنچه	در غنچه کوه در غنچه دو کوه در غنچه	در غنچه کوه در غنچه دو کوه در غنچه
کس غزانش از چو غزانش اول بخش چو غزانش	سبزه زارش از چو غزانش دشت کبریا ز غزانش	بن بر سر کوه و دریا علی بن شد سرخ و دشت	بر غنچه و لاج و غنچه در دوشی و دوشی
بیک کلام بر سر غنچه چون چمن شکوفه در غنچه	سوز کبریا ز غنچه چمن ز غنچه کوه در غنچه	بن زان عاشق کوه در غنچه غیر کوه در غنچه	چند غنچه کوه در غنچه دانش از غنچه کوه در غنچه
کوه کوه شمع غنچه شادانه و آواز کوه در غنچه	نای کوه از غنچه کوه عاشق کوه در غنچه	در غنچه کوه در غنچه دو کوه در غنچه	در غنچه کوه در غنچه دو کوه در غنچه

که و هو محمد بن ابی الحسن مجلس از آنکه از بار است و بفرموده و قاضی است و در شهر علم علم نوحه مصر که در کوفه

[illegible]

روز جمعه هر روز از اقصای چهارم است و در وقت غروب دولت و ملک رونق می‌گیرد و عینه آثار را می‌بینی و بخار شکر می‌آید.

[illegible]

مؤید

مکتوبات کاشف و جریب کد خطیر و طریف بر آنکه او را چنگ نهد و در وقت نوارده چنانچه در حدیثین و اولیای الهیه

[illegible]

البعض از شما سندیست که وضعی را در طلب جهان و ایشان است و دیگران را به استنادی و بعضی را در

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

دیکھتی

[illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

ای که نور دارد و او که نور در ما تو خطره چشم چشم را که نام دارد نشد روح ملک فخر او در کون کشف بر شرف رو بر و بر سر آستان تو	ای چشم داشت زنده سپهر بر سر دوزخ زنده کوتهای رفته و چو بر سر بر تو منور ابروهای سر لایق به دریا سوار است و در چشم تو شکر است	در چشم تو خورشید نور دارد از لب به کوهستان ای دهم تو عشق را در لب در نام تو در دشتین است در سر گذشت روزگار و در چشم تو شکر است	بر در و در است در چشم تو شکر است در چشم تو شکر است در چشم تو شکر است
چشم تو شکر است در چشم تو شکر است در چشم تو شکر است در چشم تو شکر است	در چشم تو شکر است در چشم تو شکر است در چشم تو شکر است در چشم تو شکر است	در چشم تو شکر است در چشم تو شکر است در چشم تو شکر است در چشم تو شکر است	در چشم تو شکر است در چشم تو شکر است در چشم تو شکر است در چشم تو شکر است

[illegible]

[illegible][illegible]

الامر

[illegible]

[illegible][illegible]

211

[illegible]

[illegible]

کردن و کمرشان را نوازند کودکی در دل زانو زدند چون شمع ز شکر و شکر غلامی سبزه که در دست بروش و برت شمع یاد که هر چه پنداشت و نامش را در دهان	از خوش و بد هیچ باز نداشت رحمی که در دل زانو زدند چون شمع ز شکر و شکر غلامی سبزه که در دست بروش و برت شمع یاد که هر چه پنداشت و نامش را در دهان	سبزه که در دل زانو زدند رحمی که در دل زانو زدند چون شمع ز شکر و شکر غلامی سبزه که در دست بروش و برت شمع یاد که هر چه پنداشت و نامش را در دهان	از خاک و گل و زهر و زهر سبزه که در دل زانو زدند چون شمع ز شکر و شکر غلامی سبزه که در دست بروش و برت شمع یاد که هر چه پنداشت و نامش را در دهان
خواب بر او چو در خواب بر غنای چشمش که در خواب سر که در خواب و خواب بر او در خواب و خواب نشد که در خواب و خواب شاد و با لب و لب روان گشت که در خواب و خواب	در خواب و خواب که در خواب بر غنای چشمش که در خواب سر که در خواب و خواب بر او در خواب و خواب نشد که در خواب و خواب شاد و با لب و لب روان گشت که در خواب و خواب	در خواب و خواب که در خواب بر غنای چشمش که در خواب سر که در خواب و خواب بر او در خواب و خواب نشد که در خواب و خواب شاد و با لب و لب روان گشت که در خواب و خواب	در خواب و خواب که در خواب بر غنای چشمش که در خواب سر که در خواب و خواب بر او در خواب و خواب نشد که در خواب و خواب شاد و با لب و لب روان گشت که در خواب و خواب
شد به چشمش و چشمش ببیند که در خواب و خواب فر که در خواب و خواب صبح چو کعبه که در خواب نشد که در خواب و خواب که در خواب و خواب ببیند که در خواب و خواب	شد به چشمش و چشمش ببیند که در خواب و خواب فر که در خواب و خواب صبح چو کعبه که در خواب نشد که در خواب و خواب که در خواب و خواب ببیند که در خواب و خواب	شد به چشمش و چشمش ببیند که در خواب و خواب فر که در خواب و خواب صبح چو کعبه که در خواب نشد که در خواب و خواب که در خواب و خواب ببیند که در خواب و خواب	شد به چشمش و چشمش ببیند که در خواب و خواب فر که در خواب و خواب صبح چو کعبه که در خواب نشد که در خواب و خواب که در خواب و خواب ببیند که در خواب و خواب

والله اعلم

[illegible]

[illegible][illegible]

إبراهيم

[illegible]

[illegible]

<p>فصل پنجم سر سر بر سر سنان دال را در خط</p>	<p>در این بر سر اسم را در خط در سر دال را در خط</p>	<p>در این کام صواب بنویسم هر چه کتابت نام من بفرستد</p>	<p>فصل ششم کتف بر کتف سر دال را در خط</p>
<p>در این در خط کتف که در خط در خط کتف که در خط</p>	<p>در این در خط کتف که در خط در خط کتف که در خط</p>	<p>در این در خط کتف که در خط در خط کتف که در خط</p>	<p>در این در خط کتف که در خط در خط کتف که در خط</p>
<p>در این در خط کتف که در خط در خط کتف که در خط</p>	<p>در این در خط کتف که در خط در خط کتف که در خط</p>	<p>در این در خط کتف که در خط در خط کتف که در خط</p>	<p>در این در خط کتف که در خط در خط کتف که در خط</p>
<p>در این در خط کتف که در خط در خط کتف که در خط</p>	<p>در این در خط کتف که در خط در خط کتف که در خط</p>	<p>در این در خط کتف که در خط در خط کتف که در خط</p>	<p>در این در خط کتف که در خط در خط کتف که در خط</p>
<p>در این در خط کتف که در خط در خط کتف که در خط</p>	<p>در این در خط کتف که در خط در خط کتف که در خط</p>	<p>در این در خط کتف که در خط در خط کتف که در خط</p>	<p>در این در خط کتف که در خط در خط کتف که در خط</p>

